

# کتاب ارمیا

شامل :

پیشگفتار

متن

# نامه ارمیا

## پیشگفتار

بندگردان تکرار می‌شوند دچار گسستگی شده است (۴، ۱۴، ۲۲، ۲۸، ۳۹، ۴۴، ۵۱، ۵۶، ۶۴، ۶۸). با این وجود، تعیین و تشخیص ساختار کلی آن به راحتی میسر نیست. پس از مقدمه (۱-۶)، در نخستین مرحله بت‌ها را که مخلوقاتی بی‌جان و فاسد شدنی (۷-۲۶) و موضوع عبادتی نفرت‌انگیزاند (۲۷-۳۲) محکوم می‌کند، چون فاقد قدرت هستند (۳۳-۳۹). سپس در مرحله دوم همان استدلال‌ها در نظمی متفاوت از سرگرفته می‌شود (۴۰-۴۴: عبادت بت‌ها؛ ۴۵-۵۱: سرشت و طبیعت آن‌ها، ۵۲-۵۷: ناتوانی آن‌ها). سرانجام پس از تأکید بر مادون بودن بت‌ها در مقایسه با اشیاء مفید، پدیده‌های طبیعی و حیوانات وحشی (۵۸-۶۸) متن درباره بی‌فایده‌گی، ناتوانی و فسادپذیری بت‌ها با مقایسه آن‌ها با مترسک، بوته خار و جسد به اتمام می‌رسد (۶۹-۷۱). جدائی بین مطالب گوناگون کتاب ارمیا برخی مطالب «نامه» (به عنوان مثال ر.ک. آیه ۲)، روایت صریح‌آثاری که بعد از ارمیا نبی بزرگ به وجود آمده و این امر که نامه بخشی از کتاب مقدس عبری نمی‌باشد، همه دلایلی علیه اصالت انتساب آن به ارمیا است. اصولاً با تکیه بر مبنای زبان اصلی و مبنای

نامه ارمیا در کتاب مقدس گاه بعد از کتاب مراثی و گاه بعد از کتاب باروخ جای گرفته و هر چند هیچ رابطه‌ای با کتاب فوق‌الذکر ندارد در ولگات به منزله باب ششم آن آمده است. از دید اوریجن «کتاب ارمیا و مراثی و نامه» یکی از بیست و دو کتاب برحق عبرانی است (ر.ک. اوزبیوس، تاریخ کلیسا، ۶، ۲۵)؛ ژروم، برعکس نامه را «متنی نامتعلق» به ارمیا دانسته و بدین ترتیب در ولگات به این اکتفا می‌کند که همان متن وتوس لاتینا (متن قدیمی کتاب مقدس به زبان لاتین) را تکرار نماید.

این نوشته در خود متن به عنوان رونوشتی از نامه منسوب به ارمیا خطاب به کسانی که عازم رفتن به اسارت بابل هستند معرفی شده است. لحن کلی آن که بیشتر سبک وعظ و خطابه دارد تا سبک نامه‌نگاری و هشداریه‌ی بت‌پرستی است که در راستای کتاب‌های ارمیا و اشعیاوی دوم قرار می‌گیرد (به خصوص ار ۱۰:۱-۱۶:۲۱؛ اش ۴۴:۹-۲۰؛ ۴۱:۶-۷؛ ۴۶:۱-۹) و علاوه بر این، بسط و گسترش آتی حکمت (حک ۱۳-۱۵) و پوولس (روم ۱:۱۸-۳۲) را میسر می‌سازد. متن با ترغیب‌ها و تشجیع‌هایی که بسان

دوره بازسازی را پشت سر می گذاشت فکر می کنند. با صرف نظر نمودن از بحث و جدل، می توان در توضیحات مربوط به تزئین بت ها (آیه ۱۲) اشاره ای درباره مراسم «شستشوی دهان» یا داد و ستد قربانی های نذری که کاهنان به آن می پرداختند (آیه ۲۷) و نیز اشاره ای بدینانه به توزیع قسمت هایی از قربانی بین اعضای اداری کهنانت پس از تقدیم اندام های والای قربانی به الوهیت، پی برد. در مورد بیل، رب الارباب بابلی ها که نامش مردوک بود، کاهنان «نوحه خوان» برای دفع ارواح خبیث از بیماران به درگاه او استغاثه می کردند (۳۶). مردوک رب النوع شفابخش هم چنین خدای عدالت (۱۳)، نبرد (۱۴)، ثروت (۳۴) و باران (۵۲) هم بوده است. سرانجام آیات ۳۰-۳۱ با اشاره به دسته های تعزیه گردانی و مراسم نوحه خوانی به نظر می رسد به بخش اول جشن سال نو اشاره دارند: تندیس های مردوک و ملنزمان الهی او را بر گرونده ها قرار داده از درون معبد خارج و بعد به صورت دسته از شهر خارج می کردند. ناپدید شدن خدای خدایان موجب صحنه سازی های ماتم می گردید و با باز آمدن پیروزمندان اش ماتم و مویه پایان می گرفت. اشاره های دیگر از جمله کهنانت زنان (۲۸-۲۹) یا فحشای مقدس (۱۰، ۴۲-۴۳) در بیان صریح عبادت ایشتار، ایزدبانوی جنگ و عشق وجود دارد که تنها جنبه دوم آن در اینجا مد نظر است. در این فرض نخستین، نسخه اصلی سامی نامه خطاب به جامعه یهود مهاجر در بابل بوده است تا به آنها علیه هر نوع سازش و مصالحه با مذهب بابلی ها که اخیراً نوسازی و تقویت شده بود، هشدار داده شود.

هویت بت ها، برخی این نامه را نوشته ای یونانی می دانند که از یهودیت یونانی گرا برخاسته در صورتی که دیگران در آن ترجمه ای از یک متن اصلی سامی خطاب به جوامع یهود در بابل و در ارتباط با عبادت بابلیان در دوران سلوکیان بازمی یابند.

همچنین سعی شده که برخی اشکالات متن یونانی را با عنوان کردن سوء تعبیر یا قرائت نادرست مترجم متن سامی که مفقود شده توجیه کنند. اما این قبیل استدلال ها امری قطعی نیست (ر.ک. توضیح آیات ۱۱، ۳۰، ۷۱). ملاحظه این که آیه ۶۹ نامه مرتبط با متن عبری کتاب ارمیاء ۵:۱۰ می باشد و نه متون یونانی مربوطه، خود نیز شاخصی در جهت این فرضیه است. لذا باید قبول کرد که ترجمه یونانی این متن که برای آن اصالت سامی فرض شده، پیش از قرن اول مسیحی صورت گرفته است. در واقع بخش کوچکی از آن به زبان یونانی بر روی پاپیروس در غار هفتم قمران نیز کشف شده است (ر.ک. آیات ۴۳-۴۴)، که قدیمی ترین شاهد این نامه می باشد و تاریخ تقریبی آن مربوط به سال های ۱۰۰ قبل از میلاد است.

توصیف بت ها از دیدگاه باستان شناسی، تذکرات مربوط به عبادت و کهنانت (که بسیاری از آن ها فقط تکرار کتاب های ارمیا یا اشعیا هستند) همه متعلق به مردی است که جریان را از خارج به شیوه ای مطلقاً خصمانه می نگرد، با وجود این به نظر می رسد که برخی موارد دارای دید عینی و زنده می باشند. به نظر می رسد که دقت نظرهای به عمل آمده مربوط به محیط عبادتی خاصی می باشد. برخی به آیین عبادتی بابلیان که در دوران سلوکی ها

اشاره می‌کند که ارمیاء به تبعیدیان سفارش کرده بود که با دیدن تندیس‌های زرین و سیمین پوشیده از تزئینات، گمراه نگردند. اگر این امر اشاره‌ای به نامه ارمیاء باشد معلوم می‌شود که این نامه قبل از نیمه دوم قرن دوم پیش از میلاد نوشته شده است. از سوی دیگر فاصله موجود بین آیه ۲ «نامه» و ارا ۲۹:۱۰ شاخصی مبنی بر تعیین زمان نگارش نامه است: هفت نسل چهل ساله می‌شود ۲۸۰ سال که از تاریخ تبعید ۵۹۷ یا تبعید ۵۸۶ احتساب و تقریباً به پایان قرن چهارم می‌رسد. استحکام این دو استدلال هرچه باشد مع الوصف می‌توان تاریخ نوشتن نامه را بین پایان قرن چهارم و نیمه اول قرن دوم قرار داد. برحسب عادت پیشینیان، نامه سلاح ریشخند را به کار می‌برد و برای آن که جنبه مشاجره‌ای و انتقادی آن را گزنده تر کند چنین وانمود می‌کند که نمایش تجسمی الوهیت‌ها با خود الوهیت‌ها عوضی گرفته شده است و تظاهر به عدم آگاهی از دین می‌نماید که حتی در نظر عبادت‌کنندگان این قالب‌های دست‌ساز، اگر آن‌ها تخصیص نگردیده باشند، چیزی جز اشیاء بی‌مصرف نیستند. در واقع این انتقاد سخت و خشن از بت‌پرستی جزو وظایف جدایی‌ناپذیر الهی‌شناسی است که در اینجا به طور ضمنی بازگو شده اما بازسازی خطوط اصلی آن آسان است. در واقع هر عمل و صفتی که از بت‌ها سلب شده به طور ضمنی به خدای بنی اسرائیل نسبت داده شده است (به ویژه نگاه کنید به حواشی آیات ۳۳-۳۷، ۵۲-۵۳) که برعکس بت‌های دست‌ساز (۷:۴۵-۴۶) و فساد‌پذیر (۱۹، ۲۳، ۵۴، ۷۱) خلق نشده و نسبت

با وجود این نمی‌توان به طور مسلم به اشاراتی که در مورد بابل، نبوکدنصر (۱-۳) یا کلدانیان (۴۰) برای تعیین هویت بت‌پرستان شده به صورت قاطع تأکید کرد، زیرا درست مانند انتساب ساختگی «نامه» به ارمیاء احتمال دارد این نامه نیز در چارچوب تاریخی و جغرافیایی ساختگی و از جمله تبعید به بابل قرار داده شده باشد. فرض دیگری نیز درخور توجه است: جنبه مشاجره‌ای نامه ممکن است علیه عبادت سوری‌ها یا فنیقی‌ها هم بوده باشد. در این مورد می‌توان به بت‌های حداد و عشتورت توجه نمود. نقش گردونه‌های تعزیه اغلب بر مسکوکات سوری دیده می‌شود. برابر شهادت متأخر لوسین اهل ساموساتا (اله‌های سوری) مراسمی به افتخار آدونیس در حال مرگ و نیز برخاستن از مرگ در معبد افرودیت بیلوس برگزار می‌شده که باعث به راه افتادن مراسم تعزیه می‌گشت. شرکت‌کنندگان با سرهای کاملاً تراشیده در آن شرکت می‌کردند و ظاهراً آیین فحشاء در آن مراسم رواج داشته است. این دیدگاه مبتنی بر حدس و گمان است و نسبت به دیدگاه قبلی دست کم در بردارنده این امتیاز می‌باشند که نشان می‌دهند در این نامه ادله‌ای چند که خصوصیت مشاجره عقیدتی علیه بت‌هاست، آن‌چنان که در یهودیت یونانی‌گرا و به ویژه در کتاب حکمت سلیمان یا در نوشته‌های فیلون اسکندرانی (ر.ک. توضیحات ۱۷، ۴۵-۴۷، ۵۹-۶۷) آمده وجود دارد. در این فرض دوم که لزوماً متضمن وجود یک متن اصلی سامی نیست، خطاب نامه می‌تواند به برخی جوامع یهود سوریه یا فنیقیه در دوران سلطه یونانیان باشد. کتاب دوم مکابیان (۲:۱-۲) به اسنادی

## پیشگفتار نامه ارمیا

به بت‌های ساخته و پرداخته دست‌های انسانی، ازلی و جاودان است، پس آفریده آفریدگان، با خدای آفریدگار از در مخالفت درآمده. بت‌ها متعددند، خداوند عالم یکتاست؛ بت‌ها بی‌روح و بی‌جان هستند اما خدای یکتا زنده است؛ بت‌ها در معبد چون زندان محبوس‌اند، اما خداوند عالم بیکران و همه‌جا حاضر و ناظر است؛ بت‌ها چه دربارہ امور بشری و چه بر اموری که مستقیماً

به خودشان مربوط است قدرتی ندارند، اما خدای یکتا دارای مشیت است و در نفس خود کاملیت دارد. بدین ترتیب این بحث و جدل علیه مظاهر تجسمی الوهیت‌های عجیب و غریب در عین حال تأکیدی جدید بر متعالی بودن خدای بنی اسرائیل و عمل خلاقه و مشیت وی است.

# نامه ارمیا

رونوشت نامه ارمیا<sup>a</sup> که خطاب به کسانی که توسط پادشاه بابلی ها به اسارت بابل درمی آمدند ارسال نمود تا فرامین خدا را که به وی داده بود به ایشان اعلام دارد.

بار: ۱۵-۲: ۱۰:۲<sup>۱</sup> به خاطر گناہانی که بر علیه خدا مرتکب شده اید، توسط نبوکدنصر پادشاه بابلی ها به اسارت برده می شوید.<sup>۲</sup> وقتی به بابل برسید برای سال های طولانی و زمانی دراز تا هفت نسل<sup>b</sup> در آنجا خواهید ماند؛ اما بعد از آن شما را به سلامت از آنجا بیرون خواهیم کشید.<sup>۳</sup> از این پس در بابل خدایانی از سیم، زر و چوب که بردوش ها حمل می کنند<sup>c</sup> خواهید دید که ترس به دل های مردم می اندازند.<sup>۴</sup> پس بسیار مراقب باشید! مبادا مانند بیگانگان شوید و درباره این خدایان بیمناک نگردید<sup>d</sup>.  
وقتی در پس و پیش آنان جمعیتی دیدید<sup>e</sup>

که آن ها را عبادت می کنند، در ذهنتان بگویید: «خداوند، آن کس را که باید از ۱۰:۷ عبادت کرد تویی.» زیرا فرشته من با شماست: اوست که مواظب زندگی تان خروج ۲۳: ۲۰-۲۳: ۳۴:۳۲ خواهد بود.<sup>e</sup>

<sup>۷</sup> زیرا زبان این خدایان را صنعتگری صیقل نموده است؛ آن ها را به زر و سیم پوشانده اند اما دروغی بیش نیستند و قادر به سخن گفتن نمی باشند.<sup>۸</sup> مانند دوشیزه ای دوستدار زیور، زر را گرفته و از آن برای سرهای خدایان خود تاج درست می کنند.<sup>۹</sup> گاه پیش می آید که کاهنان از خدایانشان زر و سیمی را که به مصرف آنها رسانده اند می دزدند و از آن به فواحش<sup>۳۲</sup> غرفه ها<sup>f</sup> [معبد] می دهند.<sup>۱۰</sup> این خدایان سیمین، زرین و چوبین را چون انسان ها لباس می پوشانند<sup>g</sup> اما با وجود این از

a- درباره سبک ادبی و انتساب «نامه» به ارمیای نبی به پیشگفتار مراجعه کنید.

b- نویسنده از ارمیا ۲۷:۷ (ر.ک. توضیح) که حدس می زند تبعید سه نسل طول خواهد کشید و از ارمیا ۱۱:۲۵-۱۲:۱۲، ۱۰:۲۹ (همچنین ر.ک ۲-۳ تا ۳۶:۲۱؛ دان ۹:۲) که از یک دوره هفتاد ساله صحبت می کند، با رقم کلی (ر.ک. به پیشگفتار) فاصله می گیرد.

c- اشاره احتمالی اینجا و نیز در آیه ۵ به دسته ها و موکب های جشن سال نو در بابل است. ر.ک. پیشگفتار.

d- مضمون اصلی نامه که غالباً تکرار می شود و به صورت برگردانی تحت شکل تشویق و تحریض گفته می شود: از آنان نترسید! در آیات ۱۴، ۲۲، ۲۸، ۴۴، ۶۸.

e- به ترجمه ممکن دیگر: که از جان هایتان حساب پس می خواهد.

f- احتمالاً اشاره به فواحش مقدس (ر.ک. ۴۲-۴۳) رسوم عبادتی بابلیان: ر.ک. هرودوت ۱:۱۸۱، تشریح معبد زئوس بلوس به شکل برج مطبق و اشاره به یک زن (بی تردید کاهنه ای در نماد همسر بت «خدا») که ساکن نیایشگاه طبقه فوقانی بوده است. به ترجمه ممکن دیگر: فاحشه خوابگاه بت (برابر اعد ۸:۲۵ توضیح) یا فاحشه جای بدن نام.

g- متن لاتین: از آن به فواحش هم می دهند و زنان هرزه را می آرین، و از سر نو وقتی پول این هرزگان را دریافت داشتند، خدایانشان را می آریند.

مستحکم می گردانند تا خدایان توسط راهزنان لخت نشوند<sup>m</sup>.<sup>۱۸</sup> آنان چراغ می افروزند - بیشتر از آنچه برای خود- در حالی که خدایان هیچ یک را نمی توانند بنگرند.<sup>۱۹</sup> آنان چون تیرهای معبدند و می گویند که قلبشان را کرم هایی که از خاک بیرون می آیند خورده است، درحالی که آنها ایشان را و همچنین رختهایشان را می خورند، آنان هیچ چیز احساس نمی کنند.<sup>۲۰</sup> صورتشان از دود معبد سیاه شده است.<sup>۲۱</sup> بر بدن ها و سرهایشان خفشان، پرستوها و دیگر پرندگان می پزند، همچنین گربه ها.<sup>۲۲</sup> از اینجا بدانید که آنان خدا نیستند پس از آن ها ترسی نداشته باشید!

<sup>۲۳</sup> طلایی را که برای زیبایی، آن ها را با آن می پوشانند اگر کسی زنگش را نساید،<sup>۱۱</sup> درخشندگی نخواهد داشت زیرا در زمانی هم که آن ها را ذوب می کرده اند آنان هیچ چیز احساس نمی کردند.<sup>۲۴</sup> آن ها را به هر قیمتی می توان خرید و حتی یک نفس نیز در آنان نیست!<sup>n</sup><sup>۲۵</sup> چون آنان پا ندارند، بر روی دوش ها حمل می گردند، این چنین به <sup>۳</sup>

۲۳ زنگ زدگی و پوسیدگی<sup>h</sup> در امان نیستند<sup>۱۱</sup> علی رغم لباس مخملین که به آنان می پوشانند صورت آن ها را به خاطر گرد و خاک معبد که بر آن ها می نشیند پاک می کنند.<sup>۱۲</sup> یکی این چنین چوگانی بمانند حاکم استان به دست می گیرد اما کسی را که قصد بی حرمتی داشته باشد قادر نیست از بین ببرد.<sup>۱۳</sup> دیگری به دست راست خود خنجر و تبر می گیرد اما قادر به دفاع خود از جنگ و راهزنان نیست.<sup>۱۴</sup> این چنین آشکار است که آنان خدایان<sup>j</sup> نیستند پس از آنان ترسی به خود راه ندهید!

<sup>۱۵</sup> همان طور که ظرفی<sup>k</sup> را که انسان [به کار می برد] وقتی می شکند، بی فایده می گردد<sup>۱۶</sup> خدایان آنان نیز این چنین اند و همین که در معبد خود مستقر می گردند چشمان آنان پر از گرد و خاکی می شود که از پاهای وارد شونده گان برمی خیزد.<sup>۱۷</sup> همان گونه که انسانی که به پادشاه توهین می کند، همه درها از هر طرف به رویش بسته می گردد، زیرا وی را به مرگ خواهند سپرد<sup>۱</sup>، این چنین کاهنان نیز، معبد این [خدایان] را با درها، قفل ها، و کلون ها

۵۸  
ار ۲۸:۲۲

h- تحت اللفظی: از اغذیه. اما واژه یونانی گاه معنای پوسیدگی (دندان) یا جراحت و زخم می دهد. در فرضیه متن اصلی سامی، برخی نویسندگان تصورشان بر آن است که قرائت ناقصی از متنی همانند ملا ۳:۱۱؛ ایوب ۲۸:۱۳، به معنای آن کس که می بلعد بوده باشد و پیشنهاد می کنند خواننده شود: نه کرم ها یا نه خوردگی ها.

i- اشاره به رسوم لباس پوشاندن و آرایش بت ها.

j- بندگردان دیگری از «نامه» که در ۲۲، ۲۸، ۵۰، ۵۱، ۶۴، ۷۱ تکرار می شود.

k- این واژه ممکن است معنای وسیع تری از لوازم، اسباب، اموال منقول داشته باشد. ر.ک. ۵۸.

l- متن لاتین: همان طور که بر روی مرده ای در گور نهاده.

m- ر.ک. به فیلون اسکندرانی (De Decalogo 74) که این مقایسه به ویژه در آنجا دیده می شود: بت های مجوس در معبد همانند بدکاران در محبس، آن ها «بمانند محبس در عبادتگاه و تحت نظارت مراقبان نهاده شده اند.»

n- آیات ۲۴-۲۶ مضامین عادی مشاجره قلمی برضد بت ها را از سر می گیرند: آنان نفس ندارند (ار ۱۰:۱۴؛ مز ۱۳۵:۱۷؛ حب ۲:۱۹)؛ باید آنان را حمل کرد (ار ۱۰:۵؛ اش ۴۶:۷؛ مز ۱۱۵:۷)؛ درحالی که خدای اسرائیل نفس می بخشد (پید ۲:۷؛ ایوب ۳۴:۱۴-۱۵؛ مز ۱۰۴:۲۹-۳۰)؛ او را حمل نمی کنند بلکه خود وی قومش را حمل می کند (اش ۴۶:۳-۴).

می کنند.<sup>۳۲</sup> کاهنان از لباس های خدایان ۹، ۲۷ برداشته زنان و فرزندانشان خود را می پوشانند.<sup>۳۳</sup> در حق آن ها چه بد و چه خوب رفتار شود، قادر به جبران نیستند. آن ها نه می توانند پادشاهی<sup>t</sup> را برنشانند یا وی را سرنگون سازند.<sup>۳۴</sup> همچنین قادر به دادن ثروت یا پول نیستند، کسی اگر به نام آن ها نذری کند و به جا نیاورد، آن ها حساب پس نمی گیرند.<sup>۳۵</sup> آنان نه انسانی را از مرگ رهایی می بخشند و نه می توانند ضعیف را از چنگ قوی بیرون بکشند.<sup>۳۶</sup> نمی توانند به کور بینایی بدهند و انسانی را که در بدیختی باشد نمی توانند نجات دهند.<sup>۳۷</sup> نه به بیوه ای ترحم می کنند، نه به یتیمی احسان.<sup>۳۸</sup> همانند سنگ های استخراج شده از کوه می باشند، این قطعه های چوبی پوشیده از زر و سیم؛ و کسانی که آن ها را به کار می گیرند دچار اشتباه خواهند شد.<sup>۳۹</sup> پس چگونه می توان اعلام کرد که اینها واقعاً خدایان هستند؟<sup>۴۰</sup> علاوه بر این، خود کلدانیان آن ها را بی حرمت می دارند. لالی را می بینند که نمی تواند حرف بزند، وی را به حضور بیل می آورند و تقاضا می کنند که صدایش را باز یابد، مثل این که آن خدا قادر به درک<sup>u</sup> را

۱- سمو ۲: ۴-۸؛ حک ۱۳: ۱۶؛ مز ۳۰: ۴؛ تث ۳۹: ۳۲؛ مز ۹: ۱۰؛ ۳۷: ۳۹-۴۰؛ اش ۵: ۳۵؛ ۷: ۴۲؛ مز ۷: ۱۴۶-۹؛ اش ۷: ۴۶؛ مز ۸: ۱۴؛ ۶: ۶۸؛ تث ۱۸: ۱۰؛

انسان ها عدم شایستگی خود را نشان می دهند و حتی کسانی که آن ها را خدمت می کنند نیز باید شرمگین شوند، زیرا اگر [این خدایان] به زمین افتند، آن ها باید بلندشان کنند.<sup>۳۶</sup> آغازی بر ایشان قرار می دهند ولی به خودی خود حرکت نمی کنند، خم می شوند، نمی توانند راست بایستند، تقدیم پیشکش به آن ها درست مانند آن است که به مردگان چیزی را بدهند.<sup>۳۷</sup> قربانی هائی که به آن ها تقدیم می شود کاهنان به فروش می رسانند و از آن سود می برند. همچنین زن هایشان بخشی از آن را نمک سود می کنند اما چیزی از آن را بین فقیران یا علیلان توزیع نمی کنند.<sup>۳۸</sup> زنان نجس یا زائو قربانی های آنها را لمس می کنند! از اینجا بدانید که آنان خدا نیستند، پس از آن ها نترسید!<sup>۳۹</sup> چگونه در واقع این ها را می توان خدا نامید؟ زیرا زنان<sup>p</sup> خدایان سیمین، زرین و چوبین را معرفی می کنند!<sup>۳۰</sup> کاهنان با پیراهن های دریده در حالی که سر و ریش خود را تراشیده<sup>r</sup> و سر را برهنه کرده اند در معابدشان می نشینند<sup>q</sup>.<sup>۳۱</sup> آنان فریاد زنان در مقابل خدایانشان می غرند، درست همان طور که عده ای سر سفره عزاداری<sup>s</sup>

اش ۲۹-۳۴: ۴۱؛ ۱۵: ۱۰؛ ۷۲؛ ۱۴: ۱۰؛ بنی ۳۰: ۳؛ ۱۹-۱۸؛ ۳۲، ۹؛ مز ۱۹: ۱۵؛ لاو ۴: ۱۲؛

o- مقایسه کنید با تث ۱۴: ۲۸-۲۹ و توضیح ۱۲: ۱۴-۱۴.

p- در میان قوم بنی اسرائیل شغل کهانت فقط متعلق به مردان بود.

q- در نسخ دیگر آمده است «برگردونه ها سوار می شوند». گردونه های دسته های مذهبی که به ویژه در بابل و سوریه سابقه داشت (ر.ک. پیشگفتار).

r- مقایسه شود با تث ۱: ۱۴ و توضیح لاو ۲۱: ۵.

s- اشاره احتمالی به رسم عزاداری عید سال نو در بابل یا رسوم سوری-فنیقی در مورد برپایی یاد بود مرگ آدونیس. ر.ک. حزق ۸: ۱۴ و توضیح، نگاه کنید به پیشگفتار.

t- برخلاف خداوند، خدای اسرائیل که پادشاهان اسرائیل و دیگر ملل را به تخت نشانده یا از آن به زیر می کشد: شاول، داود، یربعام، کوروش و...

u- در نسخه های دیگر «حس کردن». همچنین در آیه بعدی: آنان احساس ندارند.



شوند با هم مشورت می کنند.<sup>۴۹</sup> پس چگونه متوجه نباشیم آنان که خود را از ۱۴ جنگ و بلا نمی توانند برهانند، خدایان نیستند؟<sup>۵۰</sup> بعداً متوجه خواهند شد که این قطعه های چوب که از زر و سیم پوشیده شده اند دروغی بیش نیستند؛ برای همه<sup>۵۱</sup> ار ۱۹:۱۶-۲۱ ملل و برای همه پادشاهان روشن خواهند شد که اینان خدایان نیستند، بلکه ساخته و پرداخته دست های انسان<sup>۵۲</sup> و هیچ چیز در آنان از عمل خدا وجود ندارد.<sup>۵۱</sup> پس برای چه کسی روشن نیست که اینان خدایان نیستند؟<sup>۵۲</sup> زیرا نه قادر به برداشتن پادشاهی در ۳۳ سرزمینی می باشند و نه بارش بارانی برای ت ۱۱:۱۴؛ ۲۸:۱۲؛ آدمیان،<sup>۵۳</sup> نه قادر به داوری به درستی، نه مز ۱۰۴:۱۳؛ ۱۴۷:۸؛ رهایی کسی که از ظلم می نالد، زیرا ار ۱۴:۲۲ بی کفایت اند؛ در حقیقت آنان چون زاغ و زغن بین آسمان و زمین اند.<sup>۵۴</sup> آری، آتش بر معابد این خدایان چوبین پوشیده از زر و سیم افتد، کاهنانشان فرار کرده و محفوظ خواهند ماند، در صورتی که خود [خدایان] چون تیرهای [معبد] در میان شعله ها

است؛<sup>۴۱</sup> و آنان نمی توانند فکر کنند و این [خدایان] را ترک گویند زیرا نمی فهمند! اما<sup>۴۲</sup> در مورد زنان که ریسمان بسته<sup>۷</sup>، بر سر راه ها، «سوزان از زنگ»<sup>۷</sup> می نشینند<sup>۴۳</sup> و<sup>۴۳</sup> وقتی یکی از آنان توسط عابری کشیده شود و با وی بخوابد، همسایه خود را سرزنش می کند که همین سعادت را نداشته و نتوانسته ریسمانش را پاره کند.<sup>۴۴</sup> هر آنچه برای آنان می کنند دروغ است. پس چگونه می توان فکر کرد یا اعلام نمود که آنان حقیقتاً خدا هستند؟<sup>۴۵</sup> آنان لا توسط صنعتگران یا زرگرها ساخته شده اند و چیز دیگری جز آنچه این زرگران خواسته اند، نمی توانند باشند.<sup>۴۶</sup> آنانی که این ها را ساخته اند مدت زمان درازی زندگانی نخواهند کرد؛ پس چگونه چیزهایی که آنان ساخته اند می توانند خدا باشند؟<sup>۴۷</sup> زیرا آنان برای اعقاب خود جز دروغ و شرم باقی نگذارده اند!<sup>۴۸</sup> اگر جنگی یا بلایی روی دهد، کاهنان برای این که بدانند کجا باید با آن ها پنهان

ار ۱۰:۹؛ اش ۴۰:۱۹-۲۰

ار ۱۶:۲۰؛ ۵۰:۱۳؛ ۴۸:۱۳

۷- اشاره محتمل به مراسم فحشای مقدس در بابل، ر.ک. آیه ۱۰. مقایسه شود با هرودوت که می گوید: شرم آورترین قانون بابل که بر کلیه زنان واجب است که یک بار در طول زندگانی خود برای تسلیم خود به یک مرد بیگانه به معبد آفرودیت درآیند. آنان در صحن مقدس آفرودیت در حالی که ریسمان یا نواری به سر بسته اند می نشستند (...). معبرهایی که توسط طناب های کشیده شده در هر سو ایجاد می شدند به بازدیدکنندگان این امکان را می دادند تا در میان ایشان گشته و انتخاب خود را انجام دهند.

۷- بی تردید از رسوم جادویی برای تسریع و تسهیل ملاقات با بیگانه. [برای این که ترجمه «سوزان از زنگ» حداقل معنای مطلوبی بدهد می توان چنین تصور کرد که: «به مجردی که انتخاب به عمل می آمد زنگی که فاحشه مقدس با بی صبری در انتظار آن می سوخت به صدا در می آمد»].

X- قطعاتی یونانی از نامه که در قمران یافت شده حاوی برخی واژه های آیات ۴۳-۴۴ است.

Y- مضمون آیات ۴۵-۴۷ که جوانه های آن در کتاب ارم ۱۰:۹ و اش ۴۴:۱۱ دیده می شود با واژه هایی فلسفی تر در کتاب حک ۷:۱۵-۹، ۱۶-۱۷ و فیلون (De Decalogo 69) نیز آمده است: درباره شیئی مصنوع، صانع همان قدر از لحاظ زمانی (وی کهن تر از عمل خویش و به نحوی پدرش است) برتر است که از لحاظ قدرت، زیرا صانع عمل یک قدم از کسی که از وی تبعیت می کند پیش است.

Z- پرداخته دست های انسان (مصنوع) اصطلاحی برای نامیدن بت ها (ت ۲۸:۴؛ ۲- پاد ۱۹:۱۸؛ مز ۱۱۵:۴، ۱۳۵:۱۵؛ حک ۱۰:۱۳).

خواهند سوخت.<sup>۵۵</sup> نه قادر به مقاومت در برابر پادشاه اند و نه دشمنان.<sup>۵۶</sup> پس چگونه می توان پذیرفت یا اندیشید که اینان خدایند؟<sup>۱۴</sup>

<sup>۵۷</sup> این خدایان چوبین پوشیده از زر و سیم، نه قادرند خود را از سارقان و نه از راهزنان حفظ کنند، آنان که قوی ترند زر و سیم آنها را کنده و بالباس هایی که آنها را پوشانده است می گریزند بدون آن که [خدایان] بتوانند به خود کمک کنند.<sup>۵۸</sup> پس بهتر آن است که آدم پادشاهی باشد که دلاوری خود را به کار می برد یا ظرف مفیدی در خانه ای که مورد استفاده صاحبش است تا از این خدایان دروغین یا داخل خانه ای دری باشد که هر چه آنجا هست را نگاهداری می کند تا از این خدایان دروغین، یا ستون چوبی در کاخ پادشاهی بهتر است تا خدایی دروغین.<sup>۵۹</sup> خورشید، ماه و کواکب<sup>a</sup> که درخشان و در کارند، مطیع می باشند،<sup>۶۰</sup> همچنین آذرخش وقتی می جهد نیکو منظر است؛ همچنین باد که در همه سرزمین می وزد،<sup>۶۱</sup> ابرها وقتی خدا به آنها دستور می دهد که از فراز همه زمین بگذرند، آنچه را برایشان مقرر گردیده انجام می دهند، آتش نیز همچنین وقتی از آسمان برای سوزاندن

پید ۱: ۱۴-۱۶؛  
بار ۳: ۳۴-۳۵

ار ۱۰: ۱۳؛  
مز ۱۳۵: ۷؛  
ایوب ۱۱: ۳۷-۱۳

کوه ها و جنگل ها می افتد آنچه را مقرر گردیده به انجام می رساند.<sup>۶۲</sup> اما نه در زیبایی و نه در قدرت، این اشیاء به آن ها شبیه نیستند.<sup>۶۳</sup> همچنین نمی توان نه اندیشید و نه اعلام کرد که اینان واقعاً خدایانند، زیرا در واقع قادر به اجرای عدالت و نیکی به انسان ها نیستند.<sup>۶۴</sup> حال که دانستید که اینان خدایان نیستند از آن ها نترسید!

<sup>۶۵</sup> زیرا آنان نه می توانند پادشاهان را برکت دهند و نه نفرین کنند.<sup>۶۶</sup> و نه به ملت ها نشانه ای در آسمان نشان دهند. آنان چون خورشید نمی درخشند و چون ماه نور نمی دهند.<sup>۶۷</sup> حیوانات ارزش بیشتری نسبت به آنان دارند زیرا حیوانات می توانند با فرار به پناهگاهی [حداقل] برای خود مفید باشند.<sup>۶۸</sup> پس به هر تقدیر برای ما مسلم است که آنان خدا نیستند، پس از آن ها نترسید!

<sup>۶۹</sup> همان طور که در واقع مترسکی در جالیز خیار<sup>b</sup> از هیچ چیزی مراقبت نمی کند، همچنین است برای خدایان چوبین آنان که پوشیده از زر و سیم اند.<sup>۷۰</sup> به همین منوال مانند بوته خاری<sup>c</sup> در باغی می مانند که بر آنها پرندگان می نشینند و همانند مرده ای بار ۲۵: ۲ هستند که در جایی تاریک انداخته شده

a- در ۵۹-۶۷، همانند ارمیا و اشعیا یثانی (ار ۱۰: ۱۰-۱۳؛ اش ۴۴: ۴۵-۴۶) نویسنده درباره بیهودگی و ناتوانی بت ها در مقابل قدرت باری تعالی خدای اسرائیل و سلطه وی در آفرینش جبهه می گیرد (که این خود از مضامین ادبیات حکمتی است: ایوب ۳۸-۳۹؛ بنسی ۴۲: ۱۵-۳۳: ۳۳) اما تشریح عوامل طبیعی مکتوم باقی می ماند (آن ها در کنار اشیاء مورد مصرف خانگی ذکر شده است) و تأکید نویسنده بر اطاعت آنان است. کتاب حکمت (حک ۱۳-۱۵) و فیلون اسکندرانی انتقاد از بت پرستی را با انتقاد از شکوهمندی های خدایی که به جهان عرضه گردیده، تلفیق می کند (کیهان پرستی: cosmolatric) و پرستش حیوانات (حیوان پرستی zoolatric).

b- این مقایسه نشان می دهد که نویسنده از متن عبری ار ۱۰: ۵ استفاده کرده و نه از متن یونانی مربوط. ر.ک. پیشگفتار.

c- تصویری از بیهودگی و ضرر (ر.ک. داوود ۷: ۱۵-۹).

مايه شرمساری در سرزمین می گردند. ۷۲ اش ۱۷:۴۲:  
 پس شخص درستکار که بتی ندارد بهتر ار ۲۸-۲۶:۴۴-۱۱:  
 است وی از شرمساری به دور باشد. ۲۵

باشد و می توان خدایان چوبین پوشیده از  
 زر و سیم را با آن ها مقایسه کرد. ۷۱ حتی از  
 مخمل و تافته ای<sup>d</sup> که بر آن ها فاسد  
 می گردند، شما خواهید دانست که اینان  
 خدایان نیستند. سرانجام آن ها نابود شده و

d- تحت اللفظی تافته «درخشان». در فرضیه یک متن اصیل سامی به واژه ای عبری اشاره شده که بتوان آن را مرمیرین (غزل: ۵: ۱۵) یا کتان نازک یا تافته (خروج: ۲۵: ۴) ترجمه کرد. در متن لاتین مخمل ارغوانی آمده است.